

بسم الله الرحمن الرحيم

فیش منبر

سیمای زینبیه

**



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

فهرست مطالب

- ۳ ولادت و نام گذاری
- ۴ پدر بزرگوارش
- ۵ مادر مکرمه ی حضرت زینب- سلام الله عليها-
- ۵ جد پدری زینب- سلام الله عليها-
- ۶ جده ی پدری حضرت زینب- سلام الله عليها-
- ۷ جد مادری حضرت زینب- سلام الله عليها-
- ۸ جده ی مادری حضرت زینب- سلام الله عليها-
- ۱۱ برادران و خواهران
- ۱۲ ازدواج و تشکیل خانواده
- ۱۳ همسر زینب- سلام الله عليها-
- ۱۴ فرزندان زینب- سلام الله عليها-
- ۱۵ حضرت زینب- سلام الله عليها- و علم لدنی
- ۱۷ مقام علمی زینب- سلام الله عليها-
- ۱۸ زهد حضرت زینب- سلام الله عليها-
- ۲۰ عبادت های زینب- سلام الله عليها-
- ۲۱ صبر و تحمل حضرت زینب- سلام الله عليها-

ولادت و نام گذاری

لحظات انتظار به پایان رسید و کسانی که در انتظار ولادت طفل به سر می بردند مژده دادند که خداوند به فاطمه دختری عطا کرد و پیغمبر او را زینب نامید تا خاطره ی دخترِ بزرگ خویش، زینب، را که اندکی پیش از ولادت این طفل از دنیا رفته بود، زنده نگاه دارد^[۱].

آری، در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجرت، دختر فاطمه- سلام الله علیها- متولد شد^[۲]. هم چنین درباره ی چگونگی نام گذاری سومین فرزند حضرت فاطمه- سلام الله علیها- گفته شده است: مادرش حضرت زهرا- سلام الله علیها- او را نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام برد و گفت: این مولود را نام گذاری کن. فرمود: در این نام گذاری او بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سبقت نمی جویم.

چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سفر بود، پس از مراجعت، علی علیه السلام در رابطه با اسم آن مولود با حضرت صحبت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در این نام گذاری بر خدای خودم سبقت نمی گیرم.

در این حال جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و سلام خداوند جلیل را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله رساند و گفت: این مولود را زینب نام بگذارید، زیرا خدا این نام را برای وی انتخاب فرموده است؛ سپس از مصائب آینده ی زینب- سلام الله علیها- برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شرح داد^[۳].

پدر بزرگوار حضرت زینب- سلام الله علیها- امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود:

«مَا عَرَفَكَ يَا عَلِيُّ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا»؛

«یا علی هیچ کس تو را به طور شایسته نشناخت مگر خدا و خودم^[۴]». هم چنین درباره ی فضایل حضرت می فرماید:

«اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جنیان حسابگر و آدمیان کاغذ نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب را بشمارند. شکی نیست که فضیلت ها و حالات او را از نظر شرف و کمال جز خدای سبحان و رسولش نمی داند^[۵]».

هم چنین می فرماید:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابِهَا فَمَنْ ارَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»

؛ «من شهر دانش هستم و علی به منزله ی در آن، هر کس اراده ی ورود به شهر می کند پس باید از درب آن وارد شود^[۶]».

از دوست و دشمن روایت شده آن چه را که از آن حضرت آشکار است فتواهای مشکل که آن حضرت به راحتی قضاوت می کرد. قضاوت های شگفت انگیز امام علی علیه السلام به حدی بود که خلیفه ی دوم (عمر) درباره اش بارها گفت: «اگر علی نبود عمر نابود شده بود^[۷]».

مادر مکرمه ی حضرت زینب- سلام الله علیها-

مادر مکرمه ی آن حضرت، حضرت فاطمه زهرا- سلام الله علیها- دختر رسول الله صلی الله علیه و آله است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ایشان می فرماید:

فاطمه- سلام الله علیها- برگزیده ترین زنان عالم است که به روایت واصله از او وقتی که به نماز می ایستاد:

«يَسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ يَنَادِيهَا بِمَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفِكَ وَ طَهَّرَكَ وَ اضْطَفِكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^[۸]؛

«هفتاد هزار ملک (فرشته) بر حضرت فاطمه- سلام الله علیها- سلام می دهند و می گویند آن چه را که به مریم مادر عیسی علیه السلام می گفتند: ای فاطمه! خدا تو را برگزید و منزهت ساخت و بر زنان عالم ترجیح داد».

آری، زینب- سلام الله علیها- از دامن چنین مادری چشم به جهان گشود و تنها بانویی است که از مادری که دارای عصمت و طهارت بود شیر نوشید و در آغوش نبوت و امامت رشد و نمو یافت.

جد پدری زینب- سلام الله علیها-

جد پدری زینب کبری- سلام الله علیها- ابوطالب بن عبدالمطلب بود که او عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و قائم مقام پدرش بود. وقتی برادرش، عبدالله، درگذشت و محمد صلی الله علیه و آله در شکم مادر

بود، عبدالمطلب او را سرپرستی کرد و چون هفت ساله شد عبدالمطلب درگذشت و عمویش ابوطالب متکفل زندگی محمد صلی الله علیه و آله گردید و از پدر، مهربان تر و علاقه مندتر این فرزند برادر را در آغوش مهر و محبت، حفاظت و حراست می گرفت^[۹].

هر اندازه عرب لجوج بر دشمنی خود می افزودند به منطوق «و قد لجو فی طغیانهم یعمهون» او بیشتر در حفظ و صیانت برادرزاده می کوشید تا به جایی که وقتی کفار قریش از محمد صلی الله علیه و آله خواستند و گفتند ترک دعوت کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدای عالم سوگند، اگر خورشید را در کف دست راست من بگذارند و ماه را در کف دست چپ من بگذارند امکان ندارد دست از ارشاد و هدایت خلق بردارم، مگر آن که در این راه بمیرم^[۱۰].

آن گاه ابوطالب با یک دنیا ایمان و شجاعت، پیامبر را مورد خطاب قرار داد: ای برادرزاده ی عزیزم! حال که چنین است، خیالت راحت باشد، برو آن چه را دوست داری بیان کن. به خدا سوگند، من هم در برابر هیچ چیز تو را تسلیم نخواهم کرد و بلکه در حمایت تو مقاوم و وفادار خواهم ماند^[۱۱].

جده ی پدری حضرت زینب- سلام الله علیها-

جده ی پدری حضرت زینب- سلام الله علیها- فاطمه دختر اسدبن هاشم بن عبدالمنف که همسر ابوطالب عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادر علی علیه السلام، طالب، عقیل و جعفر است^[۱۲].

او نخستین زن هاشمی بود که با مردی هاشمی ازدواج کرد^[۱۳].

فاطمه بنت اسد زن مستجاب الدعوه ای بود که چون پرده ی خانه ی کعبه را گرفت و درخواست کرد که خدا درد زایمان را بر او آسان کند، دیوار کعبه شکست و او را به درون کعبه بردند. در حالی که به مریم، مادر عیسی علیه السلام خطاب شد قبله ی مردم محل عبادت است نه جای ولادت و فاطمه بنت اسد را به درون کعبه برده و این بزرگ ترین نشانه ی مقام و جلالت شأن این بانوی هاشمی است^[۱۴].

وقتی فاطمه بنت اسد از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیراهن خود را به عنوان کفن به او پوشاند و در گور او خوابید. اصحاب از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند که سبب این کار چیست؟ حضرت فرمود: بعد از ابوطالب، کسی نیکوکارتر از او نسبت به من نبود. جامه ی خود را به او پوشاندم تا از لباس های بهشت بر او بپوشند و در گور او خوابیدم تا کار بر وی آسان شود^[۱۵].

جد مادری حضرت زینب- سلام الله علیها-

جد محترم علیا مکرمه زینب- سلام الله علیها- حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که اشرف کائنات و خاتم پیامبران الهی می باشد و خداوند متعال در رابطه با رسالت حضرتش بر ما منت نهاده و می فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^[۱۶]

«خداوند متعال بر مردم مؤمن منت گذاشت زیرا مبعوث کرد میانشان از جنس خودشان رسولی که تلاوت می کند بر آنان آیات او را و آن ها را پاک می گرداند و کتاب و حکمت به آنان می آموزد اگر چه قبلاً در گمراهی آشکاری بودند».

در تفسیر آیه ی مزبور آمده است:

در این آیه خدای کریم نعمت بزرگی برای نجات و هدایت مردم بیان می کند. این نعمت بزرگ وجود مقدس پیامبر و بعثت اوست. خداوند این نعمت را شامل حال کسانی می کند که مؤمن هستند و به او ایمان دارند و لیاقت و توفیق بهره برداری از پیام او را دارند. خدای کریم این پیام رسان را از میان همین مردم انتخاب می کند نه از میان فرشتگان و جنیان، تا او را بشناسد و پس از این شناخت به او ایمان آورد. او را سرمشق و الگو در زندگی قرار دهد تا او آیات وحی شده بر خود را برای آنان تلاوت کند و آنان را از پلیدی های شرک و بیداد پاک سازد و راه صحیح زندگی کردن را به آن ها آموزش دهد. آنان قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در گمراهی به سر می بردند که خداوند به برکت وجود او و رسالت او آنان را حیاتی دوباره بخشید^[۱۷].

جده ی مادری حضرت زینب- سلام الله علیها-

جده ی محترمه حضرت زینب- سلام الله علیها- خدیجه بنت خویلد است که او در میان زنان از اولویت خاصی برخوردار بود و آن هم سبقت در اسلام است. به عبارتی اول زنی که به ندای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله لبیک گفت، حضرت خدیجه کبری- سلام الله علیها- بود.

ابن هشام که از مورخان مشهور اهل سنت است در کتاب خود آورده است:

«خدیجه بنت خویلد به او (حضرت رسول صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و آن چه را که از جانب خدا آورده بود تصدیق کرد و در این کار او را پشتیبانی کرد و او اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و آن چه را که از جانب او آمده بود تصدیق کرد»^[۱۸].

خدیجه کبری- سلام الله علیها- اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات ایشان ازدواج دیگری نکرده است تا زمانی که ایشان رحلت کردند^[۱۹].

ابن اسحاق از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

«امرتُ ان ابشّر خدیجه ببیت من قصب، لاصخب فیه و لا نصب»^[۲۰]؛

«مأمور شدم به این که بشارت دهم خدیجه را به خانه ای از تارهای طلا و نقره که در آن نه بانگ و فریادی هست و نه بیماری و رنج و سختی».

هم چنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت حضرت خدیجه- سلام الله علیها- می فرماید:

«افضل النساء اهل الجنة خدیجة بنت خویلد، فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و...»^[۲۱]

«بهترین زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و...»

حضرت زینب- سلام الله علیها- شباهت زیادی با جده ی خود حضرت خدیجه- سلام الله علیها- داشته اند؛ هم از جهت صورت و هم از جهت سیرت^[۲۲].

حضرت خدیجه- سلام الله علیها- انیس و مونس پیامبر صلی الله علیه و آله بود، حضرت زینب- سلام الله علیها- یار و غمخوار حسین علیه السلام؛ حضرت خدیجه- سلام الله علیها- برای استحکام دین مبین اسلام از تمام اموال خود گذشت، این مخدره هم برای بقای دین از تمام اموال و اولاد خود صرف نظر کرد؛ حضرت خدیجه- سلام الله علیها- متکفل خدمات پیامبر صلی الله علیه و آله بود، این محترمه هم متحمل خدمات برادر بود؛ حضرت خدیجه- سلام الله علیها- در جمیع شداید و گرفتاری ها شریک و سهیم بود، حضرت زینب- سلام الله علیها- هم در جمیع مصائب و نوائب با برادرش شرکت ورزید؛ حضرت خدیجه- سلام الله علیها- پس از استماع هجوم کفار بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مجروح نمودن بدن آن بزرگوار با حجاب برای دادرسی پیامبر خود و امیرالمؤمنین علیه السلام با سفره ی نانی و کوزه ی آبی به غار حرا رفتند، حضرت زینب- سلام الله علیها- نیز برای دادرسی برادر چندین نوبت به طرف قتلگاه آمده ولی چون آب و نان نداشته که همراه آورد، گاهی به طرف تلّ زینبیه می رفت و دست ها بالای سر گذاشته از کثرت همّ و غم، گاهی فریاد می زد «وا غربتاه»^[۲۳].

این همه فضایل خانوادگی از طرف پدر و مادر و جد و جده ی پدری و مادری همه به زینب کبری- سلام الله علیها- ارث رسیده است و بر اساس قانون وراثت، حامل کلیه فضایل و مناقب خانوادگی اجداد خویش گردید.

تعداد فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام پسر و دختر از دامن پاک حضرت صدیقه ی کبری، حضرت زهرا- سلام الله علیها- و از سایر زنانی که آن حضرت بعد از وفات حضرت فاطمه- سلام الله علیها- با آنان ازدواج کرد ۲۷ نفر بوده است. یعنی فرزندان حضرت علی علیه السلام از فاطمه ی زهرا- سلام الله علیها-، حسن و حسین و زینب و ام کلثوم- علیهم السلام- می باشد و از دامن ام البنین (بنت حزام بن خالد بن دارم) عباس و جعفر و عثمان و عبدالله بودند که هر چهار برادر در ماجرای کربلا شهید شدند^[۲۴].

حضرت زینب- سلام الله علیها- برادرانی داشت که به گفته ی رسول خدا صلی الله علیه و آله جوانان اهل بهشت هستند^[۲۵].

برادر بزرگش امام حسن علیه السلام دارای مقام امامت است که با صلح خود از اسلام دفاع کرد. برادر دیگرش امام حسین علیه السلام است؛ با او همراه شد و قیامی را برپا کردند که بی مثال است. آنان کسانی هستند که خداوند دوستی آنان را پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است. علامه بحرالعلوم در کتاب تحفة العالم، در مورد علاقه و محبت امام حسین علیه السلام به خواهرش حضرت زینب- سلام الله علیها- می نویسد:

در جلالت قدر و بزرگی مقام و برتری شأن او روزی نزد امام حسین علیه السلام آمد. آن حضرت قرآن تلاوت می کرد. چون حضرت زینب- سلام الله علیها- وارد شد، قرآن را روی زمین نهاد و سرتاپا برای احترام خواهر بلند شد و او را احترام و تجلیل کرد^[۲۶].

زینب- سلام الله علیها- دختر بزرگ و شجاع علی علیه السلام، جوان برومندی شده و زمان ازدواج او فرا رسیده بود و همان طور که برای مادرش فاطمه- سلام الله علیها- اعیان و اشراف و افراد ثروتمند و سرشناس به خواستگاری می آمدند این موقعیت نیز برای دختر بزرگ علی علیه السلام هم تکرار شد و در مدینه افراد مختلفی اندیشه ی وصلت با او را در سر می پروراندند و افرادی هم برای این اقدام، قدم جلو گذاشتند. از جمله کسانی که برای خواستگاری زینب -سلام الله علیها- به خانه ی علی علیه السلام رفت، اشعث بن قیس پادشاه کنده بود^[۲۷].

وی در سال دهم هجرت با تعدادی از افراد قبیله ی خود مسلمان شد و پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله سر به تمرد و نافرمانی گذاشت و بدین جهت خلیفه ابوبکر او را دستگیر نمود و در همان روزها خواهر نابینایش را به ازدواج اشعث درآورد^[۲۸].

به هر حال، خواستگار زینب- سلام الله علیها- باید کسی باشد که جدای از عناوین ظاهری در سایه ی ایمان و ارزش های معنوی لیاقت همسری با وی را داشته باشد. بدین لحاظ در مقابل خواستگاری چون اشعث، علی علیه السلام جواب منفی داد. پیامبر صلی الله علیه و آله به فرزندان جعفر علاقه ی زیادی داشت و حتی یک روز به آنان خطاب کرد: بناتنا لبنینا و بنونا لبناتنا؛ «دختران ما متعلق به پسران ما و پسران ما متعلق به دختران ما می باشد»^[۲۹].

در بین این خواستگاران عبدالله بن جعفر بود که در خانه ی علی رفت و آمد داشت و آرزوی ازدواج با زینب- سلام الله علیها- را در دل می پروراند ولی حیا داشت مستقیماً خواستگاری کند. قاصدی به حضور امام علیه السلام فرستاد و خواستگاری خود را عرضه داشت و امام او را بر این امر سزاوارتر دید و با آن موافقت کرد. بدین سان زینب- سلام الله علیها- با پسرعموی خود عبدالله ازدواج کرد و این ازدواج اگر چه پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد ولی خواسته ی او هم بود.

همسر زینب- سلام الله علیها-

عبدالله پسر جعفر، برادر علی بن ابی طالب علیه السلام از پیشگامان در راه اسلام و از مجاهدان راه خداست. جود و بخشش جعفر سبب شد مردم او را ابوالمساکین (^[۳۰] پدر مستمندان) بنامند و این میراثی معنوی بود که بعدها به فرزندش عبدالله رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فضایل جعفر بن ابی طالب می فرماید:

«رأيت جعفر بن ابی طالب ملكاً یطير مع الملائكة بجناحين^[۳۱]»؛ «جعفر را دیدم که در بهشت به وسیله ی دو بال که خدا به او عنایت کرده با فرشتگان پرواز می کرد».

در داستان مهاجرت عده ای از مسلمانان به حبشه، جعفر جزو گروه مهاجرین بود و عبدالله فرزند او در حبشه تولد یافت^[۳۲].

تاریخ عصر او عبدالله را یکی از سخاوتمندترین مردان عرب می شناسد و او را قطب السخا نامیده اند. تمکن مالی بسیار داشت و آن را در راه جود و بخشش به کار می برد و به او بحرالجود لقب دادند [۳۳].

عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایاتی نقل می کند و راوی حدیث او بوده است [۳۴].

فرزندان زینب- سلام الله علیها-

از دامن پاک زینب- سلام الله علیها- این شاخه ی درخت نبوت برای عبدالله چهار فرزند پسر، به نام های علی، محمد، عباس و عون و یک دختر به نام ام کلثوم به دنیا آمدند [۳۵].

از میان فرزندان حضرت، تنها محمد و عون در کربلا شهید شدند [۳۶].

عبدالله بن جعفر وقتی شنید امام حسین علیه السلام به کربلا رفته آن ها را فرستاد که در منزل «تنعیم» به مادرشان رسیدند [۳۷].

ام کلثوم، دختر حضرت، همان دختر عالی قدری که معاویه او را برای یزید خواستگاری کرد و عبدالله کار را به امام حسین علیه السلام واگذار کرد و امام هم او را به عقد پسر عموی خود قاسم بن محمد بن ابی طالب درآورد [۳۸].

القاب

چند بعدی بودن حیات زینب- سلام الله علیها- و پر دامنه بودن صفات عظیمش سبب شد تا برای او القاب متعدد پدید آید و هر فرد و گروهی

او را به صفتی خاص مرسوم نمایند. به ذکر چند نمونه از آن می پردازیم.

او را عقيله ^[۳۹] خوانده اند به معنای بانوی گران قدر و خردمند؛

او را بطله کربلا ^[۴۰] خوانده اند به معنای بانوی قهرمان کربلا؛

او را کعبة الرزایا ^[۴۱] خوانده اند به معنای کعبه ی مصائب بزرگ؛ نشانه ی اندوه ها؛

او را نائب الزهرا ^[۴۲] خوانده اند به معنای جانشین حضرت زهرا- سلام الله علیها-؛

او را الراضية بالقدر و القضا ^[۴۳] خوانده اند به معنای راضی به قضا و قدر الهی.

کنیه ی آن حضرت ام کلثوم و ام الحسن می باشد ^[۴۴].

حضرت زینب- سلام الله علیها- و علم لدنی

علمی که انسان ها از آن ها بهره مندند، از سه راه به دست می آید:

۱- از طریق درس خواندن

۲- از طریق ریاضت: بر همین اساس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«من اخلص لله اربعین يوماً فجزَّاهُ الله ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه ^[45]»

«هر کس تا چهل روز خالص کار کند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش به زبانش جاری می کند.»

-۳ از طریق افاضه:

«الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ»^[۴۶]

؛ «علم نوری است که خداوند متعال در قلب هر کس بخواهد واریز می کند.»

البته چنین علمی که از طرف خدا به بعضی انسان ها افاضه می شود، آن را علم لدنی گویند، که در باره ی بعضی از انبیاء آمده: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^[۴۷] «به خضر آموختیم از جانب ما علم را.

حضرت زینب- سلام الله علیها- هم از افاضات علوم الهی بهره مند بود و این هم در جای خود ثابت شده که تا کسی متخلق به اخلاق الهی نشود و مظهر صفات خدا نگردد به چنین مقامی نایل نمی گردد. آری، زینب- سلام الله علیها- در مهد مدینه ی علم نبوی تربیت شده و در باب علم علوی معتکف بوده و از پستان عصمت و طهارت تغذیه نموده و در تمامی عمر در ذیل افاضات دو پیشوای برحق که بزرگان اهل بهشت هستند پرورش یافته که دشمنی چون یزید هم به فضیلت و کمال او معترف گشت و حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود:

«اَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مُفْهِمَةٍ»^[۴۸]

زینب- سلام الله علیها- زنی عالمه است؛ در خانه ی علم به دنیا آمد، در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت که خود شهر علم بود و از سرپرستی پدری چون علی علیه السلام بهره گرفت که دروازه ی علم بود ^[۴۹] و در آغوش مادرش فاطمه- سلام الله علیها- رشد یافت که خود فاضله ای معصومه است. بعدها در کنار برادرانش حسن و حسین- علیهما السلام- بود که امامان معصوم بودند. مقام او بر این اساس بالاست. پهلوی به پهلوی عصمت می زند و در رتبه ای قریب به ولایت برادران است. او دائماً سرگرم جمع آوری دانش و فضیلت بود و کمالات زیادی را برای خود فراهم کرد؛ به طوری که به نقل احادیث و روایات می پرداخت.

زینب عقلیه بنت علی بن ابی طالب امها فاطمه بنت رسول الله والعقيلة هی التي روی ابن عباس عنها کلام فاطمه فی فدک فقال: حدثنی عقلیتنا زینب بنت علی علیه السلام ^[۵۰]

زینب همان زنی است که ابن عباس خطبه ی فدک فاطمه را از او روایت کرده که در آغاز خطبه می گوید: عقيله ی ما زینب دختر علی علیه السلام برای ما روایت کرد. ..

فدک: همان زمینی است که به حضرت زهرا- سلام الله علیها- ارث رسیده بود که خلیفه ی اول و دوم آن را غصب کردند. آری، زینب- سلام الله علیها- در زمان اقامت پدر بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای زنان مجلس تفسیر قرآن داشت. در یکی از روزها مشغول

تفسیر «کهیص» بود؛ در این حال حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شد. فرمود: ای نور دیده ام! شنیده ام سوره ی کهیص را برای زنان تفسیر می کنی؟ عرض کرد: بلی. فرمود: این رمزی است در رابطه با مصیبتی که بر شما عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می شود. آن گاه مصائب آینده را برای وی شرح داد. در این حال حضرت با صدای بلند گریه کرد و اشک ریخت^[۵۱].

زهد حضرت زینب- سلام الله علیها-

زهد در لغت عبارت از پارسایی، پرهیزگاری و دوری از دنیا است. شیخ صدوق در معانی الاخبار می فرماید: زاهد کسی است که آن چه را خدا دوست دارد دوست داشته و از آن چه مورد بغض اوست دوری گزیند و از حلال بیش از اندازه ی آن استفاده نکند و به حرام توجهی نداشته باشد و برخی از علمای اخلاق می گویند: زاهد کسی است که سه چیز را ترک کند، زینت، دنیا، میل و دلخواه؛ قناعت و رضا و تسلیم لازمه ی زهد است.

زهد از صفات پسندیده در نزد خداوند است که آن را وسیله قرار داده تا بندگان به واسطه ی آن به او نزدیک شوند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان گرامی اش و اهل بیت و ذریه اش به صفت زهد و تقوا آراسته اند.

حضرت علی علیه السلام با آن که خلیفه ی مسلمین بود تا هفتاد مرتبه پیراهن خود را به خیاط داد تا وصله بزند. حضرت زهرا- سلام الله علیها- فرش و رختخوابش حصیر بود و روی پوست گوسفند استراحت می

فرمود؛ خوراکش از نان جویی بود که به دست خود آرد می کرد و خود می پخت. هم چنین امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام مانند جد و پدر خود رفتار می کردند.

اما حضرت زینب- سلام الله علیها- در خانه ی شوهری زندگی می کرد که یکی از سخاوتمندترین و ثروتمندترین مردم عرب بود. حق این بود که کارهای خانه را به دست کلفت و نوکر دهد ولی خود با کمال عزت و بزرگی کارهای خانه را انجام می داد و کار خود را بر دیگری وانمی گذاشت و این سرمشق بزرگی برای خانه داری است^[۵۲].

خانه ی عبدالله بن جعفر پس از منزل خلفا و امرا در درجه ی اول عظمت و شرافت بود و کسانی در خانه ی او جمع می شدند و برای خدمت حاضر بودند. حضرت زینب- سلام الله علیها- برای رضای خدا از همه چیز صرف نظر کرد و حتی از تجمل و زینت که خواسته ی فطری زنان است دوری کرد و از مال و جاه و جلال دنیوی و حتی از شوهر با رضای او و اولاد خود و زندگی چشم پوشید و به برادرش پیوست و از او جدا نشد و در کنار او و با کمک او دین خدا را نصرت دادند و نفس خود را در این راه خوار و پست و ذلیل کردند تا مانند مادر به مقام عالیه رسیدند.

این نکته بسیار جالب توجه است که حضرت زینب- سلام الله علیها- با این که می دانست برادر با چه حوادثی مواجه می شود چنان چه در حدیث ام ایمن شنیده بود و با این که شوهرش مقام شامخی از ثروت و جاه و جلال داشت با این حال از دنیا صرف نظر و با برادر همراه شد.

باز هم از زهد حضرت زینب- سلام الله علیها- و توجه نداشتن به مال دنیا می نویسند. چون یزیدبن معاویه حس کرد که مردم او را قاتل اصلی امام حسین علیه السلام می دانند، نزد خود اندیشید که برای جبران این کار مبلغ زیادی پول و طلا و نقره و اموال و اثاثیه ی قیمتی به ذریه و اسرای رسول الله صلی الله علیه و آله در مقابل مصائب به آن ها ببخشد. اهل بیت را حاضر و از آنان عذرخواهی کرد و از حضرت زینب- سلام الله علیها- خواهش کرد که این اموال را قبول کند و گفت این اموال را بگیر و گمان کن که امام حسین مرده است. آن گاه حضرت زینب- سلام الله علیها- فرمود: قلب بسیار سیاهی داری که در مقابل کشتن امام حسین علیه السلام مال دنیا به ما می دهی؛ به خدا قسم که هرگز قبول نمی کنم^[۵۳].

عبادت های زینب- سلام الله علیها-

عبادت از طاعت کردن خدا و بندگی است؛ نهایت آن خواری و فروتنی است و فقط خدای متعال است که قابل ستایش و بندگی است. او ولی نعمت همه ی موجودات است و همواره موجودات عالم او را تسبیح و تقدیس می کنند. هر کس به اندازه ی بینش و معرفت خود، خدای متعال را می پرستد و برای او بندگی می کند. بر همین اصل بود که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله شب ها را تمام به نماز قیام داشت و آن قدر در پیشگاه الهی عبادت می کرد که پاهای مبارکش ورم کرد. امیرالمؤمنین در هر شب و روز هزار رکعت نماز می خواند؛ حتی در جنگ ها تا ممکن بود از خواندن نماز خودداری نمی کرد. هم چنین حضرت زهرا- سلام الله علیها- شب ها نماز می خواند و تا طلوع خورشید برای

مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد. فرزندان آن حضرت هم در عبادت کوتاهی نمی کردند. نماز عاشورای امام حسین علیه السلام این را ثابت می کند.

حضرت زینب- سلام الله علیها- در عبادت و بندگی وارث مادرش بود و اکثر شب ها را به بیداری می گذراند و دائماً قرائت قرآن می فرمود. شب زنده داری او ترک نمی شد، حتی شب یازده محرم با آن همه خستگی و داغداری و دیدن آن همه مصیبت های دلخراش [۵۴]؛ به همین دلیل او را ملقب به عابده کردند [۵۵].

چون امام حسین علیه السلام برای وداع به نزد حضرت زینب- سلام الله علیها- آمد به او عرض کرد: خواهرم مرا در نماز شب فراموش نکن [۵۶].

صبر و تحمل حضرت زینب- سلام الله علیها-

صبر عبارت از حفظ و نگه داری نفس بر تحمل مشکلات و سختی ها برای رضای خداست. الگو و سرمشق حضرت زینب- سلام الله علیها- در صبر مادرش حضرت فاطمه زهرا- سلام الله علیها- بود که چون کوه در مقابل مشکلات مقاومت کرد و در تمام شئون صبر می کرد و این خود درس عملی برای دخترش زینب کبری- سلام الله علیها- بود. حضرت زینب- سلام الله علیها- حق صبر را ادا کرد و هیچ گاه دست از شکیبایی برنداشت. فقدان جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله، مشکلات بعد از رحلت جدش و شهادت مادرش حضرت زهرا- سلام الله علیها- و پدرش امام علی علیه السلام، شهادت برادرش امام حسن علیه السلام و مشاهده ی قطعات جگر او در اثر خوردن سم، تیرباران کردن جنازه ی او، همه ی این مصائب یک طرف و ظلم ها و ستم هایی که به امام

حسین علیه السلام در واقعه ی کربلا شد طرف دیگر؛ واقعه ی اسارت زنان و کودکان و تشنگی و گرسنگی آنان؛ حضرت زینب- سلام الله علیها- همه ی این ها را دید و صبر کرد تا آن جا که امام زمان خود حضرت امام سجاد علیه السلام را تسلا می داد.

ما هم که پیرو راه آن حضرت هستیم او را در همه ی مراحل زندگی الگو و اسوه قرار می دهیم و راه آن حضرت را ادامه می دهیم.

پی نوشت ها

- [۱] دکتر بنت الشاطی، شیرزن کربلا، ترجمه ی دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۱۵.

- [۲] علی محمد علی دخیل، اعلام النساء، سلسله ی ۱۶، ص ۱۰.

- [۳] جزایری، سیدنورالدین، زینب (س)، صص ۱۷-۱۶- عمادزاده، حسین، حضرت زینب کبری (س)، ص ۴۷.

- [۴] دیلمی، ابومحمد، ارشادالقلوب، ترجمه ی حاج سیدعبدالحسین رضایی، ج ۲، ص ۲.

- [۵] همان، ص ۲.

- [۶] نیشابوری، الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۶.

- [۷] ابومحمد دیلمی، همان، ج ۲، صص ۸-۹.

- [۸] مجلسی، علامه محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۹.

- [۹] عمادزاده، حسین، زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۸.

- [۱۰] عبدالملک بن هشام، سیره ی نبوی، ج ۱، ص ۲۸۵.

- [۱۱] همان.

- [۱۲] اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۱۰۴.

- [۱۳] همان، ص ۴- دکتر بنت الشاطی، شیرزن کربلا، سیدجعفر شهیدی، ص ۲۱.

- [۱۴] زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۹.

- [۱۵] مقاتل الطالبین، ص ۵- شیرزن کربلا، ص ۲۱- الحاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۸.

- [۱۶] آل عمران / ۱۶۴.

- [۱۷] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۱۸۵- ۱۸۲- طبرسی، شیخ ابوعلی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه ی علی کرمی، ج ۲، صص ۵۹۹- ۵۹۷.

- [۱۸] سیره ی نبوی، ج ۱، ص ۲۵۷.

- [۱۹] اندلسی، ابن عبد ربّه، عقد الفرید، ج ۵، ص ۷.

- [۲۰] سیره ی نبوی، ج ۱، ص ۲۵۷- مستدرک علی صحیحین، ج ۳، ص ۱۸۵.

- [۲۱] مستدرک علی صحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴.

- [۲۲] جزایری، سیدنورالدین، زینب- سلام الله علیها-، ص ۱۸.

- [۲۳] همان، ص ۱۸.

- [۲۴] شیخ مفید، الارشاد، ترجمه ی سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۵۱۷.

- [۲۵] مستدرک علی صحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷.

- [۲۶] فیض الاسلام، علامه سیدعلینقی، احوالات حضرت زینب- سلام الله علیها-، ص ۱۴۳.

- [۲۷] زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۱۰۶- زینب- سلام الله علیها-، ص ۸۳.

- [۲۸] محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۰- زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۱۰۶.

- [۲۹] القمی، ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳.

- [۳۰] مقاتل الطالبین، ص ۳.

- [۳۱] همان، ص ۱۰.

- [۳۲] ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۹۸- ابن عبدالبر، استیعاب، ج ۳، ص ۸۸۰.

- [٣٣]همان، ص ١٩٩.
- [٣٤]زينب- سلام الله عليها-، ص ٨٢- استيعاب، ج ٣، ص ٨٨١.
- [٣٥]اعلام النساء، سلسله ی ٦، ص ١١.
- [٣٦]زينب- سلام الله عليها-، ص ٨٤.
- [٣٧]زينب كبرى- سلام الله عليها-، ص ١٨٥.
- [٣٨]شيرزن كربلا، ص ٣٨.
- [٣٩]مقاتل الطالبين، ص ٦٥.
- [٤٠]شيرزن كربلا.
- [٤١]زينب- سلام الله عليها-، ص ٣٩.
- [٤٢]همان، ص ٢٨.
- [٤٣]همان، ص ٢٤.
- [٤٤]زينب كبرى- سلام الله عليها-، ص ٤٨.
- [٤٥]قمى، شيخ عباس، سفينة البحار، ج ٢، ص ٦٦٨.
- [٤٦]آملی، حسن زاده، نامه ها بر نامه، ص ١٥١.
- [٤٧]كهف/ ٦٥.
- [٤٨]زينب كبرى- سلام الله عليها-، ص ٦٦.
- [٤٩]مستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١٢٦.
- [٥٠]مقاتل الطالبين، ص ٦٥.
- [٥١]زينب- سلام الله عليها-، ص ٢٧.
- [٥٢]زينب كبرى- سلام الله عليها-، صص ٩٥- ٨٨.

- [۵۳] همان، ص ۹۰.

- [۵۴] زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۹۲.

- [۵۵] زینب- سلام الله علیها-، ص ۴۳.

- [۵۶] زینب کبری- سلام الله علیها-، ص ۹۳.

پایگاه حوزه نت